

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۷۴ - ۱۵۷

## ماهیت شعائر الهی؛ مصادیق و هتک آنها بامحوریت آیه ۲ سوره مائده

<sup>۱</sup> مهین شهریور

<sup>۲</sup> محمدعلی ربی پور

<sup>۳</sup> علیرضا رادبین

<sup>۴</sup> صدرا علیپور

### چکیده

عبارت "شعائر" در قرآن مجید مخصوصاً در سوره مائده به صراحت بیان شده است. خداوند با بیان برخی از مصادیق آیین اسلام، به مسلمانان فرمان داده است که شعائر الهی را بزرگ شمرده و آن را گرمی دارند، و تکریم و پیروی از شعائر را نشانه تقوای قلبی مؤمنان می‌داند. شعائر اسلامی، مکان‌ها و نشان‌هایی می‌باشند که خدا آنها را برای عبادت قرار داده و انسان را به یاد خدا می‌اندازد. برای نمونه، صفا و مروه در قرآن کریم، دو مکان برای عبادتند که در مراسم حج خدا در آن یاد می‌شود. البته مصادیق دیگری نیز برای شعائر اسلام ذکر شده است؛ مانند: نماز، روزه، حج، زکات و اذان و اقامه و ... که نشانی از مسلمانی افراد است. و مسلمانان بر محور آن گرد آمده و از گمراهی و ضلالت مصون می‌مانند. به همین سبب شعائر به صورت دین و اوامر و نواهی خداوند معنا شده است.

### واژگان کلیدی

شعائر، ماهیت، حرمت، هتک، مصادیق.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

Email: mahin.shahrivar@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: rabbipoor@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

Email: radbin 14@ gmail.com

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ماکو، دانشگاه آزاد اسلامی، ماکو، ایران.

Email: Dr.sadrilipour@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۲۰

## طرح مسأله

از جمله مطالبی که در آیه ۲ سوره مبارکه مائده قابل بررسی است، مبحث «شعائر اسلامی» است. زمینه عنوان «شعائر» و بحث درباره آن، آیه شریفه «وَمَنْ يَعْظُمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/ ۲۲: ۳۲) است. از ظاهر این آیه چنین برداشت میشود که شعائر در نزد خداوند عزوجل، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا با تقوای درون و صفای جان، ارتباط مستقیم دارد. چون که شعائر، از امور اجتماعی بوده و به همین سبب، مضرات و منافع آن به طور مستقیم متوجه جامعه است؛ بالطبع بحث از وظیفه حاکم و حکومت اسلامی در تعظیم شعائر اسلامی از یک سو و ممانعت از حریم شکنی و توهین به شعائر اسلامی از سوی دیگر، اهمیت مضاعفی پیدا میکند. ضرورت این بحث را در بیان ذیل نیز میتوان تبیین نمود. یکی از مسلماتی که در قرآن و سنت نبوی وجود دارد این است که اهانت به شعائر اسلامی حرام است؛ یعنی مواردی که در زمرة شعائر الهی شمرده می‌شوند، نباید شکسته شوند؛ زیرا شکسته شدن و استخفاف این امور، قهراً توابع اجتماعی داشته و در رفتارهای دیگران نیز مؤثر است. مطلب دیگری که ضرورت بحث را آشکار می‌کند، این است که گروهی از علماء، رفتارهایی را در باعث بدعت شیعه قلمداد نموده و آن را حرام میدانند، اما عده‌ای همین حرکات را، نه تنها بدعت نمیدانند، بلکه آن را از جمله شعائر الهی قلمداد نموده و لذا واجب یا مستحب می‌شمارند. همچنین در کلمات فقها فراوان به چشم می‌خورد که به وجوب تعظیم شعائر الله و یا استحباب آن حکم نموده‌اند؛ چه اینکه عموم آنها به حرمت اهانت به آن، حکم کردند و به واسطه این قاعده عام فقهی در بسیاری از مصادیق، این حکم را جاری ساختند؛ اگر چه غالب آنان به نحوه استدلال اشاره نکردند که چگونه میتوان حکم وجوب یا رجحان را از بیان قرآن یا روایات در مورد شعائر استفاده نمود؟ ماهیت شعائر چیست و شامل چه اموری میشود؟

## هدف پژوهش

هدف این پژوهش بررسی ماهیت شعائر الهی؛ مصادیق و هتک آنها در قرآن کریم بخصوص آیه ۲ سوره مائده می‌باشد. و تحقیق در اینکه آیا شعائر مطرح شده در قرآن کریم منحصر به شعائری است که به طور خاص در نصوص دینی به آنها اشاره شده است؟

آیا عرف متدینان مجازند در تطبیق دستورات کلی دین، مصادیقی را هر چند نوظهور، به عنوان شعائر معرفی و پیشنهاد دهند؟

### روش پژوهش

روش پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و براساس مطالعه روی متون مختلف اعم از کتاب‌های مرتبط با موضوع که مورد مطالعه قرار گرفته و مطالب مرتبط با موضوع استخراج و فیش برداری شده، سپس به ماهیت شعائر الهی؛ مصادیق و هتک آنها در آیه ۲ سوره مائده پرداخته می‌شود.

### متن تحقیق

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَعُونَ فُضُلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده/۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [شکستن حرمت] شعائر خدا را روا ندارید، و نه [شکستن حرمت] ماه‌های حرام، و نه قربانی‌های بی‌نشان، و نه قربانی‌های کردن بنددار، و نه کسانی را که قصد این خانه حرمت یافته (کعبه) را کرده‌اند و بخشش و خشنودی پروردگارشان را می‌طلبند. و چون از احرام بیرون آمدید، می‌توانید صید کنید؛ و البته نباید دشمنی با گروهی، به دلیل این که شما را از مسجدالحرام باز داشته‌اند، و شما را به تعدی وا دارد. و در نیکوکاری و تقوا یکدیگر را یاری کنید، و در گناه و تعدی با یکدیگر همکاری نکنید، و از خدا پروا بدارید، که خدا سخت عقوبت است.

شعائر: جمع شعیره است به معنی علامت و نشانه «إِنَّ الصَّفاَ وَالْمَوْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...» (بقره: ۱۵۸). (الفیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص، ۶۰)

وقی: وقایه و وقایه حفظ شیء است از آنچه اذیت و ضرر میرساند. (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۲۳۶)

تقوی: اسم است از اتقاء و هر دو به معنی محفوظ داشتن خود و پرهیز کردن است. تقوی آن است که خود را از شیء مخوف در وقایه و حفظ قرار دهیم این حقیقت تقوی

است سپس خوف را تقوی و تقوی را خوف گویند. تقوی در اصل وقوی است و او به تاء عوض شده است. (ابن منظور، ۱۴۰۷ق، ج ۱۵، ص ۴۰۱)

یجرمتکم: «جزم» به معنای بریدن [نادرست و نامتناسب مانند کندن میوه نارس از درخت] است. (راغب اصفهانی ۱۳۸۳)

هشت دستور در باره شعایر در سوره مائده

در این آیه چند دستور مهم اسلامی از آخرین دستوراتی که بر پیامبر (ص) نازل شده است بیان گردیده که همه یا اغلب آنها مربوط به شعائر (حج و زیارت خانه خدا) است:

۱- نخست خطاب به افراد با ایمان کرده می‌فرماید: شعائر الهی را نقض نکنید و حریم آنها را حلال نشمرید.

۲- احترام ماههای حرام را نگاه دارید و از جنگ کردن در این ماهها خودداری کنید.

۳- قربانیانی را که برای حج می‌آورند، اعم از اینکه بی‌نشان باشند (هدی) و یا نشان داشته باشند (قلاند) حلال نشمرید و بگذارید که به قربانگاه برسند و در آنجا قربانی شوند.

۴- تمام زائران خانه خدا از هر قبیله، نژادها و زبانها یا دشمن باید از آزادی کامل در این مراسم بزرگ اسلامی بهره‌مند باشند و هیچگونه امتیازی در این قسمت در میان نیست.

۵- تحریم صید محدود به زمان احرام است، بنا بر این "هنگامی که از احرام حج یا عمره بیرون آمدید، صید کردن برای شما مجاز است".

۶- اگر جمعی از بت پرستان در دوران جاهلیت (در جریان حدیبیه) مزاحم زیارت شما از خانه خدا شدند و نگذاشتند مناسک زیارت خانه خدا را انجام دهید، "نباید این جریان سبب شود که بعد از اسلام آنها، کینه‌های دیرینه را زنده کنید و مانع آنها از زیارت خانه خدا شوید".

۷- شما به جای اینکه دست به هم بدهید تا از دشمنان سابق و دوستان امروز خود انتقام بگیرید باید دست اتحاد در راه نیکیها و تقوا به یکدیگر بدهید نه اینکه تعاون و همکاری بر گناه و تعدی نمائید.

۸- در پایان آیه برای تحکیم و تاکید احکام گذشته میفرماید: پرهیزکاری را پیشه کنید و از مخالفت فرمان خدا پرهیزید که مجازات و کیفرهای خدا شدید است (ابن

منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۳۸).

«اشهر حرم» که جنگ ابتدایی (نه دفاعی) در آن‌ها حرام است. یعنی جنگ و کشتار را در ماه حرام، جایز نشمارید. مراد از ماه حرام، ماه‌های چهارگانه است: ذو القعدة، ذو الحجه، محرم و رجب؛ چرا که الف و لام در «الشهر» برای استغراق است. در این آیه اسم جنسی است که هر چهار ماه حرام را شامل می‌شود. (الطباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۵، ص ۱۶۲)

”وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا“ و چون از احرام در آمدید شکار بکنید، جمله: ”شکار بکنید“ از آنجا که در مقامی آمده که شنونده احتمال می‌داده شاید شکار کردن بعد از احرام نیز حرام باشد دلالت بر وجوب ندارد، تنها دلالت می‌کند بر اینکه بعد از احرام، حرام و ممنوع نیست، و اصطلاحاً چنین امری را (امر عقیب حظر) می‌گویند، یعنی امری که بعد از نهی در کلام بیاید. (البجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۲۹۵).

و کینه و دشمنی که آنها نگذاشتند شما داخل مسجد الحرام بشوید، شما را وادار نکند بر اینکه بر آنان تعدی کنید و حال آنکه خدا شما را بر آنان مسلط کرده، وبال این جرم بر شما تحمیل نشود).

محتوای این آیه از مصادیق (أوفوا بالعقود: مائده، ۱) است، چون عهد الهی در باره شعائر است که انسان آن را پذیرفته و در نتیجه وفا به آن واجب است. در این آیه مجدداً مؤمنین مورد خطاب واقع شده‌اند، و این تکرار خطاب شدت اهتمام به شعائر و حرمت‌های خدای تعالی را می‌رساند.

احترام به شعائر الهی یعنی حریم گرفتن در مقابل احتلال که حریم نگرفتن و غصب کردن است. در پایان آیه برای تحکیم و تاکید احکام گذشته میفرماید: پرهیزکاری را پیشه کنید و از مخالفت فرمان خدا پرهیزید که مجازات و کیفرهای خدا شدید است. (الخوئی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۱۲).

توهین در مقابل تعظیم است و به معنای تحقیر و سست گردانیدن و استخفاف می‌باشد یعنی انسان در مقابل چیزی یا کسی رفتاری از خود نشان دهد که آن را بی ارزش و بی مقدار جلوه دهد. در منابع ما توهین به برخی مقدسات، اعلام جنگ با خداست لذا شارع مقدس در مقابل افراد جسور و بددلی که از روی دشمنی به طور عمدی و علنی به

مقدسات ناسزا گفته و توهین نمایند نیز حکم قتل صادر نموده است و اگر این ناسزا از یک مسلمان سرزند منجر به ارتداد و اشد مجازات می‌گردد.

این گونه احکام علاوه بر بازدارندگی، نشان دهنده اهتمام شارع به حریم مقدسات است و گرچه ظاهر خشونت آمیزی دارد ولی در حقیقت، نشانگر عمق ایمان و احترام مسلمانان به مقدساتشان است و از این منظر، بسیار شرافتمندانه و خنثی کننده توطئه دشمنان است. همان طور که فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام راحل، در عین اینکه تا مدت ها بازدارنده بود، نه تنها موجب دلزدگی مردم جهان نشد بلکه موج شدید اسلام خواهی در سراسر دنیا را تقویت نمود.

فقهای عظام با استدلال به لزوم تعظیم شعائر و تأسی به سیره اهل بیت (علیهم السلام) فرموده اند: بلند شدن و ایستادن در مقابل مؤمنین و تعظیم و احترام به آنها - به حسب عادت عرف - جایز است؛ بلکه اگر ترک آن موجب توهین به مؤمن گردد واجب خواهد شد<sup>۱</sup> در فقه شیعه توهین به جسد مؤمن نیز هتک شعائر است.<sup>۲</sup>

بنابر این در حکومت اسلامی، حفظ شعائر اسلامی و ارزش های دینی یک قانون است و همگان وظیفه دارند تا این قانون را در هر شرایط عمل کنند و نیروی انتظامی نیز وظیفه دارد این ارزش ها را حفظ کرده و آنجا که به این ارزش ها و شعائر اهانت می شود، برخورد نماید.

قابل توجه اینکه در نظام حقوقی «کامن لا» از دیرباز، توهین به مقدسات با عنوان "Blasphemy" جرم شناخته شده است. بر اساس تعریفی که حقوق دانان غربی از این اصطلاح ارائه نموده اند قاعده مزبور نه تنها شامل توهین به مقدسات می شود؛ بلکه هر گونه انکار حقایق مسیحیت یا کتب مقدس و یا انکار وجود خداوند مصداق این جرم به شمار می رود.<sup>۳</sup>

۱. نضد القواعد الفقهية علی مذهب الامامية، ص ۲۷۳

۲. رسائل الشهيد الثاني، ج ۲، ص ۱۲۱۷، المسألة ۱۱۶

3. John Smith and Brian Hogan «Criminal law» Butter worths ,8 th Ed .,london ,6991 ,p .237 :«Matter is blasphemous if it denies the truth of the Christian religion or of the Bible or the Book of Common prayer or the existence of God.

## مفهوم شعائر

شعیره آن لباسی است که به بدن بچسبد. (یعنی موی بدن) و لباسی که به موی بدن بچسبد مثل زیر پیراهن است. (الفراهیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص، ۹۲۲).

معنی شعائر علامت‌ها است. شعائر خدا یعنی علامت‌هایی که انسان از آن علامت‌ها بیاد و نام خدا می‌افتد. (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق، ماده شعر، ص ۲۶۸)

## ویژگیهای شعائر

مهمترین ویژگی شعائر در اسلام معرفی مکتب و اعلان توحید است.

### - معرفی مکتب

عمده ترین نقش شعائر معرفی مکتب است. شعائر است که ایده ما و هدف ما در این شعار خلاصه می‌شود. مکتب خود و ترسیم خط خودمان را معرفی می‌کنیم. ما در شعار، خطی را که باید در آن برویم را اعلام می‌کنیم. هدف را می‌گوییم. خط رسیدن به آن هدف را هم می‌گوییم.

### - اعلان توحید

نماز دارای مقدمات و اجزائی است، که هم خود نماز به صورت کامل می‌تواند به عنوان شعائر دین قرار گیرد و هم مقدمات آن (اذان و اقامه)، به دلیل آنکه نماز هم به صورت کامل معیارهای شعائر (معرفی مکتب، اعلان توحید) را دارد.

## اذان

ما در دین اسلام یک شعائر مستقل به نام اذان و اقامه داریم. اذان شعائری است که اولش از الله شروع می‌شود و آخرش هم «لا اله الا الله» می‌گوییم. در واقع از خدا شروع می‌شود و به الله هم ختم می‌شود. میان این دو (الله) مکتب را معرفی می‌کنیم. او بزرگ است. (الله اکبر) او بزرگتر از گفتنی‌ها، شنیدنی‌ها، نوشتنی‌ها، فکر کردنی‌ها است. «اشهد ان لا اله الا الله» هیچ معبودی را نمی‌پذیریم. خودمان را تسلیم هیچ قدرتی نمی‌کنیم. «ملک الناس» فقط اوست «اله الناس» فقط اوست. معنای توحید این است. «اشهد ان لا اله الا الله» خدایی جز او نیست. قدرتی جز او نیست. معبودی جز او نیست. «اشهد ان محمدا رسول الله» مکتب من مکتب وحی است. من قانون از بشر نمی‌گیرم چون

بشر حق قانونگذاری برای من ندارد. چرا با دست خودم بردگی دیگران و بله قربانگویی دیگران را بپذیرم؟ از کجا معلوم است که دیگران دلسوز من باشند. از کجا معلوم است که نیاز مرا دانسته باشند. از کجا معلوم است که هوی و هوس در قانونگذاری ایشان تاثیر نکرده باشد. از کجا با علم‌شان همه واقعتاً ها را فهمیده باشند. از کجا معلوم است که قانونی که وضع می‌کنند امروز و فردا خودشان پشیمان نشوند. به چه دلیل انسان برای من قانون وضع کند. در «اشهد ان محمدا رسول الله» می‌گوییم قانون فقط وحی است. باید از طرف خدا باشد. چون خدا ما را ساخته است. آنکس که ساخته است می‌داند چه ساخته است و خیر خواه من هم هست. الگوی ما کیست؟ «حی علی الصلاة» دعوت به نماز، پیوند با خدا. «حی علی الفلاح» رستگاری، «حی علی خیر العمل» «الله اکبر» راه حق بهترین راه هاست. (رحیمی، ۱۳۸۸، ص ۶۷)

#### اقامه

«أقام الشيء؛ أي أدامه و «أقاموا الصلوة» أداموها في مواقيتها» (الطريحي، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۵۲۷) راغب اصفهانی نیز معنای اقامه را «ادامه» میدانند و می‌گویند: «يقيمون الصلوة»؛ یعنی «یدیمون فعلها و يحافظون عليها»، سپس ادامه می‌دهد: «اقامة شيء ايفا کردن حق آن است» (الراغب الاصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۳۳). قاموس قرآن نیز اقامه را به «برپا کردن» معنا کرده است (قرشی، ۱۳۷۸ش، ج ۷، ص ۴۸). به نظر می‌رسد معنای «ادامه دادن»، «برپا کردن» و «ایفای حق نمودن» به يك حقیقت اشاره دارند و آن عبارت است از زنده نگه داشتن و مراقبت نمودن بر امری؛ همانگونه که در قرآن کریم در باب نماز، این تعابیر، مختلف به کار رفته است. در جایی می‌فرماید: «يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (بقره/۲: ۳) و در جایی دیگر می‌فرماید: «الَّذِينَ هُمْ تِهْمَلُونَ صِلَا دَائِمُونَ» (معارج/۷۰: ۲۳) و آیه ای دیگر نیز می‌فرماید: «وهم على صلاتهم يحافظون» (انعام/۶: ۹۲) بنابراین، اقامه چیزی به معنای استدامه آن و مراقبت و جدی گرفتن آن است.

#### حکم شعائر خدا در قرآن چگونه است؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجَلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ بِنَا بِنَا آیه ۲ سوره مائده: اعتقاد و احترام گذاردن به شعائر الهی، وظیفه اهل ایمان است. حفظ حرمت شعائر الهی، از وظایف مؤمنان است.



«احلال» «مصدر تحلوا» به معنای مباح شمردن است و مباح شمردن شعائر الهی به این معنی است که حرمت و احترام آنها حفظ شود. هتک حرمت شعائر الهی، حرام و گناه است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش، ج ۸، ص ۳۸)

### مصادیق شعائر الهی در قرآن:

پس از بررسی معنای لغوی و اصطلاحی واژه شعائر الهی، نوبت به بررسی این موضوع میرسد که آیا در لسان قرآن کریم و روایات، همین معنا و تعریف جاری است یا خیر؟ و در گام بعدی شامل چه مصادیقی میشود؟ تعیین مصادیق آن توقیفی است یا اینکه مطابق تعریف، هر کسی میتواند به شعائر الهی بیافزاید؟ اینها از جمله، سؤالاتی است که ادامه این نوشتار، متکفل پرداختن بدانها است.

از جمله مصادیق شعائر الهی، با توجه به سوره مائده، احکام دین یعنی حلالها و حرامهای خداوند است. در سوره مائده یکی از این مصادیق مناسک حج ذکر شده، به این علت از نظر اسلام کسی لایق به جای آوردن حج میباشد که همه مراتب احکام الهی را به جای آورده باشد. حج به معنی سعی در انسان کامل شدن است خداوند فرموده است: «کسانی که شعائر خدا را بزرگ می‌شمارند، کارشان نشان پرهیزگاری دل‌هایشان باشد». (حج/۳۲)

اما بنابر نظر بسیاری از علما حتی برخی از علمای اهل سنت معنای عام، مفهوم «شعائر الله» منحصر در آن مناسک نیست و می‌تواند شامل همه اعمال و اتفاقاتی گردد که انسان را به یاد عظمت خدا و تقوای قلوب می‌اندازد. با این توضیح می‌گوییم بی‌گمان قیام آزادی خواهانه امام حسین (ع) - قیام آن حضرت نه صرفاً بدن و جسم ایشان - علیه دستگاه ظلم اموی و الهام بخشی حرکت ایشان برای آزادگان تاریخ نیز یکی از مصادیق نشانه‌ها و عظمت خداست و تعظیم کار ایشان از تقواست. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۱۸۶)

شیعیان برای مشروعیت بخشیدن به اقامه مجالس عزاداری امام حسین (علیه السلام) و دیگر ائمه خود، به آیه ۳۲ سوره حج استناد می‌کنند و این عمل را مصداق «تعظیم شعائر» معرفی می‌کنند. ولی آیا مفهوم شعائر الله می‌تواند شامل عزاداری‌ها هم شود؟!

در پاسخ به این سؤال می‌گوییم که فهم درست معنای «شعائر» از منابع اصیل اسلامی

می‌تواند ما را در پاسخ دادن به این سؤال یاری کند. «شعائر» جمع «شعیره» و در لغت به معنای علامت و نشانه است. (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۲) بنابراین «شعائر الله» به معنای نشانه‌های پروردگار است. اما این نشانه‌های خدا چه مصادیقی دارد و تعظیم آن‌ها به چه معناست؟ برای پاسخ به این سؤال ابتدا به سراغ قرآن می‌رویم تا ببینیم چه مصادیقی برای مفهوم معرفی شده است؟

در قرآن، اصطلاح «شعائر الله» در چهار آیه به کار رفته است:

إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ؛ «صفا» و «مروه» از شعائر [و نشانه‌های] خداست. (بقره/۱۵۸)

ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ: این است [مناسک حج]! و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای دلهاست (حج/۳۲)

وَ الْبُئْدَانَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ: و شترهای چاق و فربه را [در مراسم حج] برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. (حج/۳۶)

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی [و مراسم حج را محترم بشمرید! و مخالفت با آنها] را حلال ندانید... (مائده/۲)

آن گونه که از ظاهر آیات فوق برمی‌آید، همه آنها مربوط به موضوع حج بوده و بر این اساس می‌توان این گونه نتیجه گرفت که مصداقی که برای «شعائر الله» در قرآن ذکر شده، امور مربوط به مناسک حج است. اما آیا چنین استعمالی، دایره این اصطلاح را منحصر در مناسک حج می‌کند و آیا نمی‌توان آن را مفهومی عام و شامل مصادیق دیگر دانست؟

پاسخ به این سؤال نیاز به کمی تأمل و در نظر داشتن نکته‌ای ظریف دارد. مواردی مانند سعی بین صفا و مروه یا چهارپایان قربانی چه خصوصیتی دارند که در قرآن به عنوان «شعائر خدا» معرفی شده‌اند؟ آیا شعائر شدن این امور، توفیقی است یا اینکه چون موجب توجه و تقرب انسان به خدا می‌شوند و مظهر و علامتی از مظاهر و علامت‌های اسلامی گشته‌اند، تبدیل به یکی از مظاهر الهی و شعائر خدا گشته‌اند؟

پاسخ این سؤال چندان سخت و پیچیده نیست. ما وقتی به مناسکی چون سعی بین صفا

و مروه یا قربانی کردن در حج نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که این مناسک در عین اینکه اجزائی از فریضه عبادی حج هستند، اما در همان حال موجب ارتباط انسان با خدا و قرب به او می‌شوند و در سوق دادن مردمان به خداوند تأثیر انکارناشدنی ای دارند. (طاهری خرم آبادی، ۱۳۸۵ش، ص ۵۶ تا ۵۸)

با این توضیح می‌گوییم که این خاصیت و ویژگی «تقرب و توجه به خداوند» منحصر در اعمال حج نیست. هر زمان یا در هر مکان، فعل یا عملی که یاد خدا و زمینه تقوا و رشد معنوی و روحی را فراهم آید، در صورتی که در چهارچوب قوانین و دستورات اسلام قرار داشته باشد، جزء شعائر الهی به شمار می‌آید و بنابراین نباید دایره شمول «شعائر الهی» را منحصر در مناسک حج که در قرآن بیان شده اند کرد.

با در نظر داشتن همین نکته است که علمای مسلمان نیز با نگاه به همین ویژگی دایره «شعائر» را شامل تر از مصادیقی که در قرآن بیان شده دانسته اند. برای مثال می‌بینیم که ملا احمد نراقی می‌نویسد: «برخی از فقها و مفسران عقیده دارند که آیه ۳۲ سوره حج، دلالت بر عموم و شمول دارد. چنانچه این نظریه پذیرفته شود تعظیم همه شعائر اگر واجب نباشد استحباب و رجحان دارد. زیرا شعائر منسوب به خداوند بزرگ است. (نراقی، ۱۳۶۶ش، ص ۹۸)

علامه طباطبایی نیز شعائر را به معنای نشانه‌های عظمت و تقوای الهی دانسته و آن را منحصر به موارد خاصی نمی‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۶۱۴)

از آیت الله جوادی آملی نیز در تفسیرشان نقل شده که گفته اند: «گرامی داشتن شعائر و علامت‌های الهی و عظیم شمردن و بزرگداشت آن نشانه برخورداریت تعظیم‌کننده از تقوای قلب است. تعظیم این شعائر که از تقوای قلب، نشأت می‌گیرد فضیلتی دینی است و به شعائر حج اختصاص ندارد. هر چند قسمت مهم آن درباره حج و عمره وارد شده است. هر چه نام خدا و نشان اوست از شعائر الهی محسوب می‌شود و همه عبادات و مراکز عبادی مانند مساجد و مشاهد انبیا و اولیای معصوم چنین است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶هـ.ش، ج ۸، ص ۳۸)

آیت الله مکارم شیرازی نیز تصریح می‌کنند که: «عمومیت مفهوم آیه ۳۲ سوره

حج (تعظیم شعائر الهی) نسبت به تمام شعائر اسلامی به قوت خود باقی است و هیچ گونه دلیلی بر تخصیص آن به خصوص قربانی یا همه مناسک حج وجود ندارد. به خصوص اینکه قرآن در مورد قربانی حج (مضمون آیه ۳۶ سوره حج) با ذکر حرف جر «من» که برای تبعیض است این حقیقت را گوش زد کرده که قربانی فقط یکی از آن شعائر است همان گونه که در مورد صفا و مروه نیز در آیه ۱۵۸ سوره بقره می‌خوانیم که آنها هم برخی دیگر از شعائر الهی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۴، ص ۹۷)

باز کردن دایره شمول «شعائر الهی» و محصور نداشتنش به مناسک حج، امری نیست که فقط علمای شیعه بدان معتقد باشند و از میان علمای اهل سنت نیز می‌توان کسانی را یافت که چنین نظر و عقیده‌ای داشته باشند. صاحب‌جان هندی از علمای حنفی مذهب اهل سنت ذیل آیه ۳۲ سوره حج می‌نویسد: «هرچه که از دیدن آن خدا به یاد آید شعائر خداست و شعائر الله اختصاص به صفا و مروه ندارد. چنان که در کتاب حجت الله البالغه از دهلوی نیز نقل شده است که: بزرگترین شعائر و نشانه‌های خدا چهار چیز است: قرآن، کعبه، پیامبر و نماز. در کتاب الطاف القدس نیز آمده است که: محبت شعائر الله عبارت است از محبت قرآن، پیامبر و کعبه بلکه هر چیز که به خدا منتسب باشد حتی اولیای خدا. (سرهندی مجددی، ۱۹۹۶ م، ص ۳۰)

حالا و بعد از بیان این مقدمه نسبتاً طولانی می‌توانیم به سراغ اصل پرسش برویم و بینیم اشخاص می‌توانند مشمول حکم «تعظیم شعائر الله» قرار بگیرد یا خیر؟ پیش از آن باید البته این نکته مورد تأکید قرار بگیرد که بزرگداشت امام حسین (علیه السلام) و عزاداری برای ایشان، آن چنان که در سؤال مطرح شده صرف یک «انسان» نیست تا با حضور و وجود و بدنش مورد این مناقشه قرار بگیرد که یک مشمول «شعائر الله» هست یا نه؟ (دهلوی، ۱۴۲۶ ق، ص ۱۳۳)

امام حسین (علیه السلام) و عزاداری برای ایشان نماد آرمانی آزادی خواهانه است که تعظیم آن حتماً «تعظیم شعائر الله» است. اساساً سوگواری در مرگ اشخاص نوعی تعظیم و احترام به آنان و رعایت موقعیت و شخصیت شان محسوب می‌شود. اقامه عزاداری برای امام حسین (ع) نیز به عنوان شخصیتی ممتاز و بی‌نظیر که خود از خاندان عصمت و طهارت

و از اولیای الهی و امامان معصوم بود، علاوه بر تجلیل از مقام شامخ آن امام همام، از مصادیق روشن تعظیم شعائر الهی است. در مراسم عزاداری برای آن حضرت، جز فراگیری مسایل دین و یادآوری شهادت ها و ایثارگری های شهیدان بزرگ اسلام، سخن دیگری طرح نشده و سخن از دشمنی با دشمنان خدا و دوستی با دوستان خدا گفته می شود. سخن از اینکه آن حضرت چگونه تمام هستی خویش را یک جا با خداوند معامله کرد و با تمام اهل بیت و فرزندان خود در قربانگاه عشق قدم نهاد و مخلصانه از همه چیزش در راه خدا گذشت. بی گمان بزرگداشت چنین شخصیتی با برپایی مجالس عزا، تعظیم یکی از عظیم ترین شعائر الهی است. و برپایی مجالس عزا برای آن حضرت، تعظیم یکی از بزرگترین شعائر الهی محسوب می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸ ش، ص ۷۰ و ۷۱)

زیرا همان طور که گفتیم واجد همان ملاکی که درباره مناسک حج گفتیم هست. چون باعث تقرب مردم به خداوند متعال و سوق یافتن فوج فوج مسلمانان در مسیر هدایت الهی و رشد در فضای معنوی فرهنگ دینی می گردد.

### زیارت قبور انبیاء جزء شعائر الهی محسوب می شود؟

تعظیم شعائر امری راجح و ضروری و نشانه تقوا می باشد چنان که آیه مبارکه می فرماید: **وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ** (سوره حج / ۳۶) (کسی که شعائر الهی را بزرگ دارد، این ناشی از تقوای قلب ها است). برای توضیح این مطلب باید ابتدا اثبات کنیم که تعظیم قبور انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) تعظیم شعائر است. «شعائر» جمع «شعیره» به معنای علامت و نشانه است؛ بنا براین شعائر الله در آیه مبارکه؛ یعنی علامت ها و نشانه خداوند. قرآن کریم بعضی از نمونه های شعائر الله را بیان فرموده است. از مجموع این نمونه ها می توانیم قاعده ای کلی به دست آورده و معنای صحیح شعائر الهی را دریابیم. از جمله این موارد در صفا و مروه از شعائر الهی هستند.

هم چنین قربانی که در حج قرآن به همراه می آوردند، از شعائر خداوند است و آداب مخصوصی نیز دارد: **وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ... شتر قربانی را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم.**

شعائر خداچیز هایی است که موجب توجه و تقرب انسان به خدا می شود و مظهری از

مظاهر اسلامی است. سعی بین صفا و مروه یکی از مناسک حج است، اما در عین حال صحنه ای است که در آن یکی از مظاهر اسلامی مجسم می شود. شتر قربانی هم یکی از شعائری الهی است که موجب ارتباط انسان با خدا و قرب به او شده و در سوق دادن مردم به سوی خداوند نقش دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش.، ج ۴، ص ۲۵۰)

حالا که معنای «شعائر الله» و بعضی مصادیق آن با توجه به آیات قرآنی معلوم شد، با کمی دقت تصدیق خواهیم کرد که انبیای دین از مصادیق شعائر الله هستند؛ زیرا اینان زندگی خود را وقف تبلیغ دین و نزدیک کردن مردم به خداوند کردند؛ به همین سبب، همان طور که در حال حیات احترامشان واجب بود، پس از مرگ نیز قبورشان باید مورد احترام باشد، چون آنها از شعائر الهی هستند.

چگونه ممکن است شتر قربانی که نشانه تعبّد حجاج و تقرب آنها به خداست، شعائر الله باشد، اما انبیاء (علیهم السلام) که برگزیدگان خداوند برای تقرب انسان ها به حق هستند شعائر الله نباشند؟

وقتی امری جزو شعائر الله قرار گرفت، باید مورد تکریم و احترام قرار گیرد. همین که شتر قربانی برای ذبح در حج انتخاب شد، احترام مخصوصی پیدا می کند. صفا و مروه نیز جهاد است، اما همین که وسیله و مکان تقرب به خداست، جزو شعائر الله قرار داده شده و باید مورد احترام باشد.

مردم در کنار قبور انبیاء و ائمه (علیهم السلام) نیز به حق توجه پیدا می کنند و با گریه و زاری به خدا تقرب می جویند، لذا اینها هم از شعائر الله هستند. به همین سبب، قبور انبیاء و اولیاء (علیهم السلام) مورد تکریم و تعظیم قرار می گیرند. تعظیم این قبور به هر وسیله از جمله ساخت بنا و ترمیم قبور آنها و ساختن صحن و سرا و مسجد در اطراف آنها، امری راجح و پسندیده و بلکه لازم و ضروری است.

### شعائر الهی در روایات

استناد به روایات، تحقیق ما را در تحلیل معنای شعائر و ارتباط آن با حرّمات، تأیید

می کند:

۱- عطا گوید: یعنی حرامهای خدا را حلال شمارید و از حدود خدا تجاوز مکنید.

اینان «شعائر» را بر «معالم» حمل کرده و گفته‌اند: مقصود این است که نباید از نشانه‌های حدود و امر و نهی و فرائض خدا تجاوز کنند.

۲- سدی گوید: بلادی که در حرم واقع شده‌اند، شعائر خداوند هستند و آنها را نباید حلال شمرد.

۳- ابن جریر و ابن عباس گویند: مقصود مناسک حج است. یعنی مناسک حج را تزیین مکنید.

۴- از ابن عباس روایت شده است که: مشرکین، حج می‌کردند و حیوانات را قربانگاه سوق می‌دادند و احترام شاعر را حفظ می‌کردند و شتران را نحر می‌کردند مسلمانان خواستند بر آنها حمله کنند و خداوند آنان را از اینکار، منع فرمود.

۵- مجاهد گوید: شعائر خدا، صفا، مروه، سوق قربانی و ... است. فراء گوید: عرب صفا و مروه را از شعائر خدا نمی‌شمرد و سعی بین آنها را بجای نمی‌آورد، خداوند آنها را از اینکار منع کرد. از امام باقر (ع) نیز روایت شده است.

۶- بنا به روایت دیگر از ابن عباس: یعنی آنچه خداوند در حال احرام، بر شما حرام کرده، حلال مشمارید.

۷- ابو علی جبایی گوید: شعائر، علامتهایی بود که برای تعیین مرزهای حل و حرم، نصب شده بود. خداوند دستور داد که بدون احرام، از این مرزها نگذرید و بسوی مکه نیاید.

۸- زجاج و حسین بن علی مغربی گویند: یعنی حیواناتی را که برای قربانی علامت گذاری کرده‌اید، حلال مشمارید. بلخی نیز همین عقیده را برگزیده است. لکن قول اول بر همه اقوال، ترجیح دارد، زیرا همه اقوال دیگران را در بر دارد. بدیهی است که اگر آیه، حمل بر معنای عام شود، بهتر است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۶۰)

## نتیجه گیری

«شعائر الله» به معنای اموری است که مشاهده و یا انجام آنها انسان را به خدا و دین او تشویق نموده و نشاط در عمل به وی ارزانی می‌دارد. شعائر در قرآن در خصوص مسائل حج، همچون صفا و مروه و قربانی و مشابه آنها به کار رفته است، اما دانشمندان اسلامی با توجه به آیه من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب (حج/۳۲) برای شعائر مفهوم وسیع‌تر و گسترده‌تری قائل هستند و منحصر به مناسک حج نمی‌دانند لکن هر امری که ویژگی خاص شعائر الهی را داشته باشد از جمله آن به شمار می‌آید.

و همگی در تعظیم و بزرگداشت شعائر و عدم اهانت اتفاق نظر دارند هرچند در خصوص چگونگی و دامنه تعظیم و بزرگداشت شعائر اختلافاتی به چشم می‌خورد. با توجه به گستردگی مفهوم شعائر قبور ایمه (ع) نشانه‌های دین هستند چون که انسان را به یاد خدا می‌اندازند و زیارت قبور حتی مرمت آنها لازم دانسته است

تعیین و تشخیص مصادیق شعائر، توقیفی است و متوقف بر نص اهل بیت عصمت و طهارت است مگر آنکه بدان یقین داشته باشیم، در غیر این صورت به مرز بدعت و خرافه نزدیک شده و از شعائر الهی، دور گشته ایم.



## فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۶ق.)، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲. استرآبادی، محمد بن علی، (۱۳۹۴ق.)، آیات الاحکام، کتابخانه معراجی، تهران.
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۶ش.)، تفسیر تسنیم، دفتر نشر اسراء، قم.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۸ش.)، شریعت در آینه معرفت، اسراء، تهران.
۵. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق.)، التتقیح فی شرح العروه الوثقی، موسسه انصاریان، قم.
۶. راغب الاصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق.)، المفردات فی غریب القرآن، دارالکاتب العربی، بیروت.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۵ق.)، الکشاف، دارالکتب العلمیه، بیروت.
۸. سرهندی مجددی، محمد حسن جان صاحب، (۱۹۹۶م.)، الاصول الاربعه فی تردید الوهابیه، مکتبه الحقیقه، بی جا.
۹. شاه ولی الله دهلوی، أحمد بن عبد الرحیم، (۱۴۲۶ق.)، حجة الله البالغة، دارالجيل، بیروت.
۱۰. شهید اول، محمد بن مکی العالمی، (۱۴۰۰ق.)، القواعد والفوائد، کتابفروشی مفید، بیتا، قم.
۱۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، (۱۳۸۰ش.)، حاشیه المختصر النافع، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۱۲. طاهری خرم آبادی، سید حسن، (۱۳۸۵ش.)، تبرک و قبور، موسسه بوستان کتاب، قم.
۱۳. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴ش.)، تفسیر المیزان، ترجمه: موسوی همدانی، سید محمد باقر، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۱۴. طباطبایی حکیم، سید محسن، (۱۴۱۶ق.)، مستمسک العروه الوثقی، مؤسسه دارالتفسیر، قم.

۱۵. فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۱۴ ق.)، العین، انتشارات أسوه، قم.
۱۶. فیروز آبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، (۱۴۱۲ ق.)، القاموس المحیط، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۷. قرشی بنابی، علی اکبر، (۱۳۷۱ ش.)، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه. تهران.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق.)، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی. بیروت.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱ ش.)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷ ش.)، عاشورا ریشه ها، انگیزه ها، رویدادها، پیامدها قم.
۲۱. النراقی، أحمد، (۱۳۷۵ ش.)، عوائد الایام، مرکز النشر، قم.
۲۲. مقاله
۲۳. رحیمی، مرتضی، «تعظیم و بزرگداشت شعائر الهی»، آموزه‌های فقهی، ش ۲، تابستان ۸۸.